برنامه و بودجه، شمارهٔ اول، ص. ۴۷-۶۲.

رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سالهای ۱۳۶۱-۱۳۷۲ *

نویسنده: فرهاد نیلی

مقدمه

توزیع درآمد از مفاهیم سهل و ممتنع در تئوری اقتصاد است. سهل است چون به آسانی و براساس ساده‌ترین مفاهیم اقتصادی قابل تبیین است و لذا در کهنترین متون اقتصادی، تبیین تئوری توزیع یکی از محورهای اصلی نظرات اقتصادشناسان را تشکیل می‌داده است.[۱]+ اما ممتنع است چرا که هنوز هم دستیابی به راهبرد عملی رفع نابرابری درآمدها درکشورهای در حال توسعه به‌گونه‌ای که با رشد اقتصادی این کشورها سازگار باشد، به عنوان یک چالش فکری بزرگ در مقابل اقتصادشناسان توسعه خودنمایی می‌کند.[۲]

تجربه سه دهه اخیر، درکشورهای ثروتمند و فقیر، در زمینه اهمیت توزیع درآمد عبرت‌آموز است. پیامدهای دو دهه رشدسالاری به هر دو گروه آموخته است که همه مشکلات از طریق دستیابی به نرخهای رشد اقتصادی بالا حل نمی‌شود. درکشورهای توسعه یافته، تأکید اصلی بر

* این مقاله، حاصل مطالعه‌ای است که نگارنده در اوایل سال ۱۳۷۴ در دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه انجام داد. در این مطالعه، روش بررسی بیش از نتیجه آن حایز اهمیت است، هر چند نتایج بررسی نیز می‌تواند در خور توجه باشد. نگارنده وظیفه خود می‌داند از مدیریت دفتر اقتصاد کلان و دفتر برنامه‌ریزی نیروی انسانی و اشتغال، که با مساعدتهای خود انجام مطالعه مزبور را ممکن گرداندند، قدرشناسی نماید.

+ اعداد تک داخل دو کمان به یادداشتهای پایان مقاله اشاره دارد.

مسئله رشد، اکنون جای خود را به توجه بیشتر به "کیفیت زندگی" داده است. در کشورهای جهان سوم نیز به طور وسیعی شنیده می‌شود که افزایش محصول ناخالص ملی، دیگر به عنوان هدف اصلی فعالیت اقتصادی به شمار نمی‌رود.(۳)

برخی از نظریه پردازان اقتصاد توسعه -همچون کوزنتس [۱]، لویس [۲]، فی [۳]، رانیس [۴] و نورکس [۵]- که به نوعی عدم سازگاری بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد معتقدند، می‌گویند کشورهای در حال توسعه باید وزن بیشتری را به هدف رشد - نسبت به هدف توزیع درآمد - بدهند.(۴) توضیحات بالا نشان می‌دهد که ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابریهای درآمدی، وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی تبدیل می‌گردد.

به رغم اهمیت موضوع، در برنامه‌ریزیهای میانمدت بعد از انقلاب اسلامی هیچ گاه وضعیت مطلوب جامعه از این حیث برحسب شاخصهای کمّی تعریف نشده است. همچنین علی رغم تلاشهای متعددی که پس از انقلاب به صورت مقطعی و موضعی به منظور رفع نابرابریهای درآمدی صورت گرفته است، کمتر سیاستهای اقتصادی کشور، بر مبنای تحلیلهای کارشناسی، به منظور تعدیل درآمدها هدفگذاری شده است.(۵) لذا شایسته است نهاد برنامه‌ریزی کشور، به میزان اهمیتی که برای شاخصهای مربوط به رشد تولید، حجم نقدینگی، شاخص قیمتها و مانند اینها قایل است، حساسیت لازم را نسبت به هدفگذاری کمّی شاخصهای نابرابری درآمد نیز مبذول دارد.

در این گزارش، بررسی رابطه متقابل بین دو هدف رشد اقتصادی و توزیع درآمد و مطالعه عملکرد اقتصاد کشور در دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ در چارچوب این دو هدف موردنظر است. بدین منظور، درآمد سرانه واقعی - از داده‌های حسابهای ملی - به عنوان شاخص رشد اقتصادی و سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین - از داده‌های بودجه خانوار - به عنوان شاخص توزیع درآمد انتخاب شده است. علت انتخاب شاخص اخیر، بررسی این نکته است که در دوره ۱۲ ساله موردنظر، کم درآمدهای جامعه چقدر از مواهب رشد اقتصادی بهره مند شده یا به چه میزان در اثر کاهش سطح درآمد سرانه متضرر گردیده‌اند.

مطالعه تغییرات همزمان رشد و توزیع درآمد، امکان بررسی وجود یا نبود همبستگی بین این

1. Kuznets
2. Lewis
3. Fei
4. Ranis
5. Nurkse

دو مؤلفه را فراهم می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که کشور در چه دوره‌هایی بهبود یا بدتر شدن توأمان دو مؤلفه را تجربه نموده و در چه دوره‌هایی بهبود در یک مؤلفه را به قیمت بدتر شدن وضعیت در مؤلفه دیگر شاهد بوده است. از آنجا که در مواقعی که بهبود در وضعیت یک مؤلفه با بدتر شدن وضعیت مؤلفه دیگر همراه است، امکان مقایسه بین وضعیتها میسر نیست، در گزارش حاضر، از شاخص رفاه اجتماعی سن[1]، که تابعی از درآمد سرانه و ضریب جینی است، برای مقایسه وضعیت اقتصاد کشور در سالهای مختلف استفاده شده است.

شاخصهای توزیع درآمد

متأسفانه در کشور ما در گزارشهایی که وضعیت کلان اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد، کمتر به ابعاد نابرابریهای درآمدی و ارتباط متقابل آن با دیگر متغیرهای اقتصادی توجه می‌شود. بدتر از آن اینکه تولید آمارهای مربوط به توزیع درآمد بسیار کم اهمیت‌تر از داده‌های حسابهای ملی تلقی شده و نسبت به سازماندهی داده‌های مزبور توجه کافی مبذول نمی‌گردد. بدین لحاظ، نگارنده لازم دید بخش مستقلی از این گزارش را به شاخصهای توزیع درآمد و روند تغییرات آنها در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲ اختصاص دهد.

شاخصهای توزیع درآمد، متعدد و متنوعند. هر یک از این شاخصها برای هدفی طراحی شده و ممکن است نسبت به دیگر هدفها نارسا و ناکافی باشد. در این میان، شاخصهای سازگار با منحنی لورنز همچون سهم دهکهای درآمدی، نسبت سهم دهکهای بالایی به دهکهای پایینی، حداکثر شکاف درآمدی و ضریب جینی متداولترند.(۶)

در جدول ۱، مقادیر برخی از شاخصهای فوق برای دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ آمده است. ارقام مندرج در این جدول برحسب هزینه ناخالص خانوار و نیز براساس داده‌های خام (گروهبندی نشده) بودجه خانوار محاسبه شده‌اند و لذا از برخی اشکالات و خطاهای موجود در گزارشهای متداول در این زمینه پیراسته‌اند. این شاخصها به صورت یکجا و برای دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ برای اولین بار در این گزارش منتشر می‌شوند.(۷) نکته دیگر اینکه در محاسبه شاخصهای فوق، خانوار به

1. A. K. Sen

عنوان کوچکترین واحد محاسبه در نظر گرفته شده است. بنابراین اگر محاسبه شاخصها برحسب هزینه ناخالص سرانه مدنظر باشد، با توجه به ناهمگن بودن بعد خانوار در گروههای درآمدی، نتایج دیگری به دست خواهد آمد.(۸)

جدول ۱. سری زمانی شاخصهای توزیع هزینه خانوار

شاخص		سهم گروههای درآمدی از هزینه خانوار			نسبت سهم ۱۰ درصد بالایی به ۱۰ درصد پایینی	ضریب جینی	حداکثر شکاف هزینه
		۴۰ درصد پایینی	۴۰ درصد میانی	۲۰ درصد بالایی			
واحد		درصد	درصد	درصد	----	----	درصد
سال	۱۳۶۱	۱۳/۹	۳۷/۴	۴۸/۷	۲۲/۲	۰/۴۴۱	۳۱/۴
	۱۳۶۲	۱۳/۲	۳۶/۹	۴۹/۹	۲۵/۵	۰/۴۵۴	۳۲/۷
	۱۳۶۳	۱۳/۳	۳۷/۰	۴۹/۷	۲۶/۱	۰/۴۵۳	۳۲/۴
	۱۳۶۴	۱۳/۴	۳۷/۰	۴۹/۶	۲۵/۰	۰/۴۵۲	۳۲/۲
	۱۳۶۵	۱۲/۷	۳۶/۵	۵۰/۸	۲۹/۸	۰/۴۶۶	۳۳/۳
	۱۳۶۶	۱۳/۹	۳۶/۸	۴۹/۴	۲۳/۲	۰/۴۴۶	۳۱/۷
	۱۳۶۷	۱۴/۲	۳۶/۹	۴۸/۹	۲۲/۲	۰/۴۳۸	۳۱/۴
	۱۳۶۸	۱۴/۱	۳۷/۴	۴۸/۵	۲۳/۲	۰/۴۳۷	۳۱/۳
	۱۳۶۹	۱۴/۳	۳۸/۱	۴۷/۶	۲۳/۷	۰/۴۲۸	۳۰/۵
	۱۳۷۰	۱۳/۴	۳۶/۶	۴۹/۹	۲۷/۳	۰/۴۵۶	۳۲/۳
	۱۳۷۱	۱۴/۱	۳۷/۶	۴۸/۳	۲۳/۳	۰/۴۳۵	۳۱/۱
	۱۳۷۲	۱۴/۶	۳۸/۰	۴۷/۴	۲۲/۱	۰/۴۲۵	۳۰/۳
میانگین		۱۳/۸	۳۶/۴	۴۹/۱	۲۴/۵	۰/۴۴۴	۳۱/۷

توضیح: شاخصهای مندرج در این جدول براساس داده‌های خام هزینه ناخالص خانوار محاسبه شده است.

در شکلهای ۱ و ۲، سری‌زمانی این شاخصها برای دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ ترسیم شده است. شکل ۱، روند توزیع درآمد را برحسب سهم گروههای درآمدی (۴۰ درصد کم درآمدترین و ۲۰ درصد پردرآمدترین)، و شکل ۲، این روند را برحسب حداکثر شکاف هزینه، ضریب جینی و نسبت سهم دهک دهم (۱۰ درصد پردرآمدترین) به دهک اول (۱۰ درصد کم درآمدترین) نشان می‌دهد.

شکل ۱. سهم گروههای درآمدی از هزینه خانوار

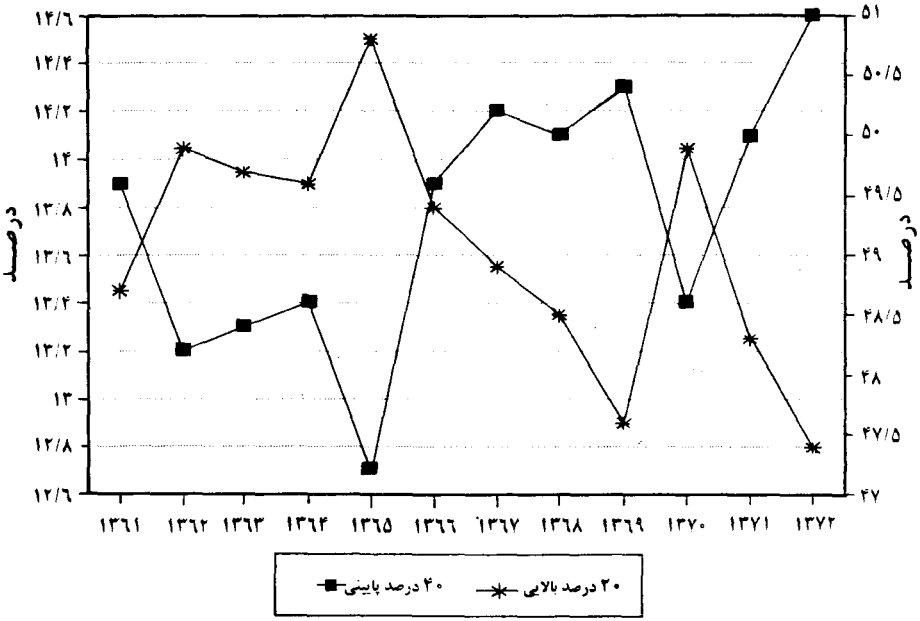

شکل ۲. شاخصهای نابرابری توزیع هزینه خانوار

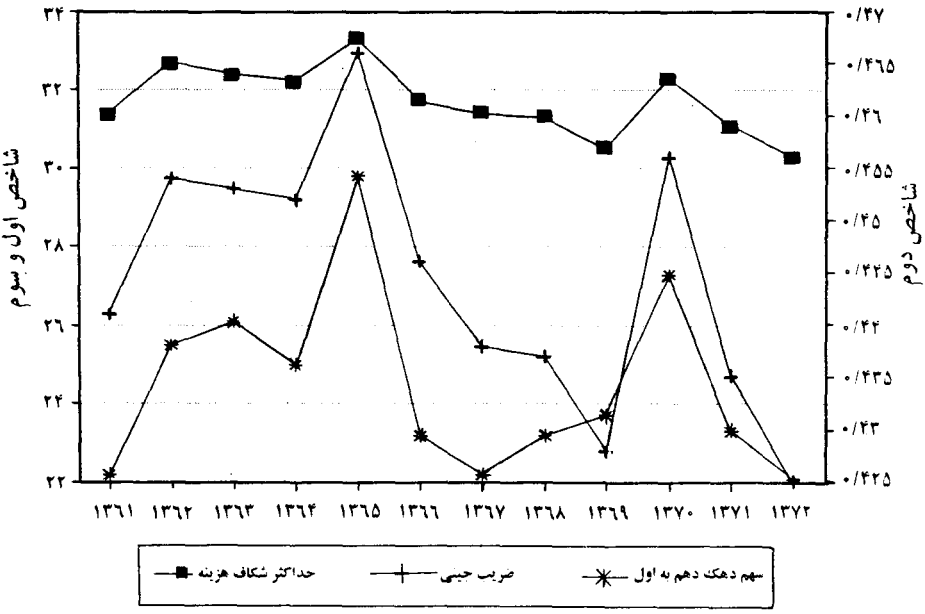

سری زمانی شاخصهای مزبور حاکی از موارد زیر است:

الف) در مقایسه با میانگین شاخصها، توزیع درآمد در سالهای ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲ و تا حدی ۶۶ بهتر از مقدار میانگین بوده است.

ب) روند توزیع درآمد در دوره‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۴ ، ۱۳۶۵-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲ رو به بهبود بوده است.

ج) طی سالهای ۱۳۶۱-۱۳۷۲، مردم ایران بدترین وضعیت توزیع درآمد را در سال ۱۳۶۵ و بهترین وضعیت را در سال ۱۳۷۲ تجربه نموده‌اند.(۹)

د) به استثنای سال ۱۳۷۰ که شاخصهای نابرابری - به دلیلی که بر نگارنده مشخص نیست - از بدتر شدن شدید توزیع درآمد حکایت می‌کند، توزیع درآمد از سال ۱۳۶۵ به بعد مستمراً بهبود یافته است.

شکل ۳. شاخصهای رشد و توزیع درآمد

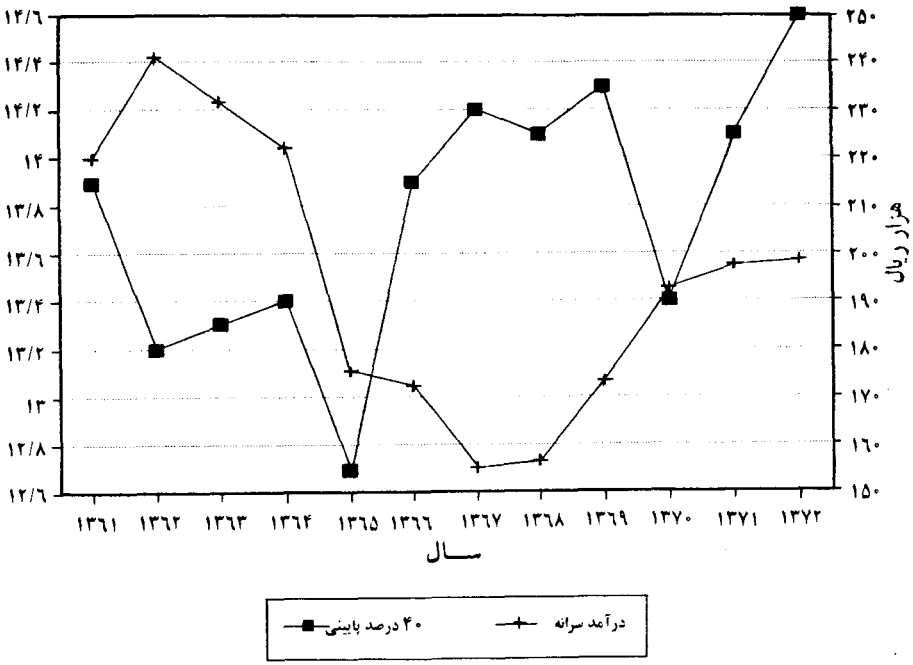

رابطه متقابل بین رشد و توزیع درآمد

شکل ۳، مسیر زمانی شاخصهای منتخب از وضعیت اقتصاد کشور را برای دوره مورد بررسی نشان می‌دهد. ارقام مربوط به درآمد سرانه (به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱) در جدول ۲ آمده است. همان طور که مشاهده می‌شود، وضعیت اقتصاد کشور در این دوره را می‌توانیم به ۴ مقطع زمانی تفکیک کنیم:

جدول ۲. شاخصهای رشد، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی

شاخص		درآمد ملی	جمعیت	درآمد سرانه	شاخص بهبود در توزیع درآمد	شاخص رفاه اجتماعی
		(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۳)*(۴)=(۵)
واحد		میلیارد ریال	هزار نفر	هزار ریال	----	----
سال	۱۳۶۱	۹,۳۱۱/۷	۴۲,۳۵۴	۲۱۹/۹	۰/۵۵۹	۱۲۲/۹
	۱۳۶۲	۱۰,۶۱۸/۰	۴۴,۰۵۵	۲۴۱/۰	۰/۵۴۶	۱۳۱/۶
	۱۳۶۳	۱۰,۶۱۱/۳	۴۵,۸۳۵	۲۳۱/۵	۰/۵۴۷	۱۲۶/۶
	۱۳۶۴	۱۰,۵۸۱/۸	۴۷,۶۹۵	۲۲۱/۹	۰/۵۴۸	۱۲۱/۶
	۱۳۶۵	۸,۶۷۲/۲	۴۹,۴۴۵	۱۷۵/۴	۰/۵۳۴	۹۳/۷
	۱۳۶۶	۸,۸۰۸/۸	۵۱,۱۲۵	۱۷۲/۳	۰/۵۵۴	۹۵/۵
	۱۳۶۷	۸,۱۷۷/۴	۵۲,۷۳۷	۱۵۵/۱	۰/۵۶۲	۸۷/۲
	۱۳۶۸	۸,۴۹۳/۴	۵۴,۲۸۴	۱۵۶/۵	۰/۵۶۳	۸۸/۱
	۱۳۶۹	۹,۶۶۵/۷	۵۵,۷۶۷	۱۷۳/۳	۰/۵۷۲	۹۹/۱
	۱۳۷۰	۱۱,۰۱۰/۱	۵۷,۱۸۸	۱۹۲/۵	۰/۵۴۴	۱۰۴/۷
	۱۳۷۱	۱۱,۵۶۳/۱	۵۸,۶۱۸	۱۹۷/۳	۰/۵۶۵	۱۱۱/۵
	۱۳۷۲	۱۱,۹۲۳/۵	۶۰,۰۵۶	۱۹۸/۵	۰/۵۷۵	۱۱۴/۱
میانگین		۹,۹۵۳/۱	۵۱,۵۹۷	۱۹۴/۶	۰/۵۵۶	۱۰۸/۱

(۱) و (۳): به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

(۲): برآورد سازمان برنامه و بودجه

(۴): یک منهای ضریب جینی

الف) دوره ۱۳۶۱-۱۳۶۲، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۱۳۷۰ که افزایش درآمد سرانه با بدتر شدن وضعیت گروههای کم درآمد (کاهش سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین) همراه است.

ب) دوره ۱۳۶۲-۱۳۶۴ و ۱۳۶۵-۱۳۶۷ که کاهش درآمد سرانه با بهبود وضع گروههای کم درآمد همراه است.

ج) دوره ۱۳۶۴-۱۳۶۵ که همزمان با کاهش درآمد سرانه، سهم گروههای کم درآمد نیز تنزل یافته است.

د) دوره ۱۳۶۸-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲ که همراه با افزایش درآمد سرانه، سهم گروههای کم درآمد نیز افزایش یافته است. خلاصه وضعیت فوق را در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید:

جدول ۳. تقسیمبندی دوره‌ها از نظر تغییرات رشد و توزیع درآمد

		درآمد سرانه	
		افزایش	کاهش
سهم گروههای کم درآمد	افزایش	۱۳۶۹-۱۳۶۸ ۱۳۷۲-۱۳۷۰	۱۳۶۴-۱۳۶۲ ۱۳۶۷-۱۳۶۵
	کاهش	۱۳۶۲-۱۳۶۱ ۱۳۶۸-۱۳۶۷ ۱۳۷۰-۱۳۶۹	۱۳۶۵-۱۳۶۴

هر چند بررسی رفتار توأمان یک نظام اقتصادی از بعد رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌بایست در یک دوره بلندمدت بررسی شود و در این بررسی، معنی‌دار بودن ارتباط شاخصها از حیث آماری مبنای قضاوت قرار گیرد، اما از مطالعه داده‌های مربوط به دوره ۱۲ ساله ۱۳۶۱-۱۳۷۲ نیز نتایج زیر قابل استنتاج است:

الف) بر خلاف سالهای قبل از ۱۳۶۸، که عملکرد اقتصاد کشور هیچ روند مشخصی را از نظر

بهبود همزمان هر دو مؤلفه سیستم نشان نمی‌دهد، در مقاطع ۱۳۶۸-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲ شاهد بهبود همزمان شاخصهای رشد و توزیع درآمد هستیم.

ب) برحسب شاخصهای موردنظر در این گزارش، کشور بدترین وضعیت را در مقطع ۱۳۶۴-۱۳۶۵ به خود دیده است. چراکه در سال ۱۳۶۵، درآمد ملی با ۱۸ درصد کاهش، بیش از ۱۹۰۰ میلیارد ریال به قیمتهای ثابت، نسبت به سال قبل از خود تنزل نمود. این امر باعث شد که درآمد سرانه در این سال بیش از ۴۶۰۰۰ ریال کاهش یابد. از طرف دیگر، سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین خانوارها نیز در این سال به پایین‌ترین میزان خود طی دوره مورد بررسی، یعنی ۱۲/۷ درصد رسید.

ج) معرفی سالی که اقتصاد، بهترین وضعیت را در آن سال دارا بوده است بدون انتخاب معیار عملکرد سیستم امکانپذیر نیست. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۲ درآمد سرانه در بالاترین سطح خود (۲۴۱۰۰۰ ریال) قرار داشته، در حالی که سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین در سال ۱۳۷۲ به حداکثر مقدار خود (۱۴/۶ درصد) می‌رسد. به عبارت دیگر، بدون انتخاب معیار عملکرد سیستم، وضعیت اقتصاد در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۶۱-۱۳۶۴ قابل مقایسه نیست.

قبل از نمایش مسیر حرکت اقتصاد کشور برحسب شاخصهای منتخب، اشاره به یک نکته ضروری است. اگر در یک اقتصاد، دستیابی به دو هدف رشد اقتصادی و توزیع درآمد مطلوب تلقی گردد، چگونگی اولویت‌بندی تحقق هدفهای فوق، یکی از نکات اساسی در طراحی راهبردهای توسعه است. شکل ۴، سه راهبرد توسعه اقتصادی - برحسب اینکه کدام یک از دو مؤلفه، اصلی و کدام یک تبعی تلقی گردد - را تصویر می‌نماید:(۱۰) راهبردهای افراطی "تقدم رشد نسبت به توزیع درآمد"[1] و "تقدم توزیع درآمد نسبت به رشد"[2] و راهبرد معتدلتر "رشد همراه با باز توزیع درآمد".[3]

1. Growth Then Redistribution (GTR)
2. Redistribution Then Growth (RTG)
3. Growth With Redistribution (GWR)

شکل ۴. راهبردهای توسعه اقتصادی

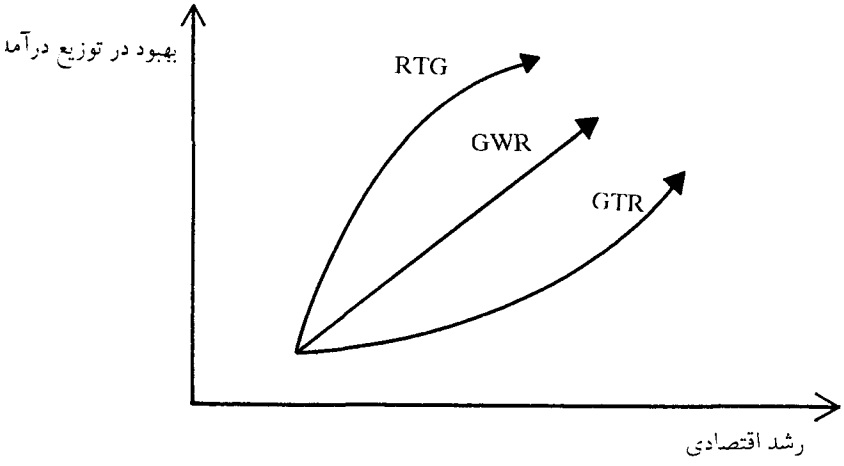

طبیعی است راهبردهای مذکور هر چند جامعه آرمانی واحدی را هدفگذاری نموده‌اند، ولی هر یک، منطق خاصی را برای دستیابی به هدف مشترک مزبور توصیه می‌نماید.(۱۱) به عبارت دیگر، در هر سه راهبرد، فرض بر بهبود مستمر وضعیت اقتصاد برحسب هر دو مؤلفه است، منتهی در هر یک آهنگ بهبود در شاخصها، متفاوت از راهبرد دیگر هدفگذاری می‌شود.

چارچوب مورد استفاده در شکل ۴، فضای حالت[1] موردنظر در این گزارش است و می‌تواند برای تحلیل مسیر حرکت یک اقتصاد در یک دوره زمانی مشخص به کار رود. این چارچوب در شکل ۵ برای مطالعه مسیر حرکت اقتصاد کشور در دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ مورد استفاده قرار گرفته است. در این شکل، هر نقطه متناظر با یک سال در دوره موردنظر است که مؤلفه افقی آن درآمد سرانه در آن سال و مؤلفه عمودی، سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین از کل هزینه‌های مصرفی خانوار می‌باشد. بنابراین مسیر حرکت اقتصاد کشور از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲ با تعقیب منحنی حاصل از اتصال نقاط وضعیت سیستم در سالهای متوالی به دست می‌آید. در این چارچوب، هر حرکت به سمت گوشه جنوب غربی به معنای بدتر شدن و هر حرکت به سمت گوشه شمال شرقی به معنای بهبود وضعیت تلقی می‌گردد. همچنین حرکت به سمت گوشه‌های شمال غربی و جنوب شرقی به

1. State Space

معنای بهبود یک مؤلفه همزمان با بدتر شدن وضعیت از نظر مؤلفه دیگر است.

شکل ۵. مسیر حرکت اقتصاد کشور (۱۳۶۱-۱۳۷۲)

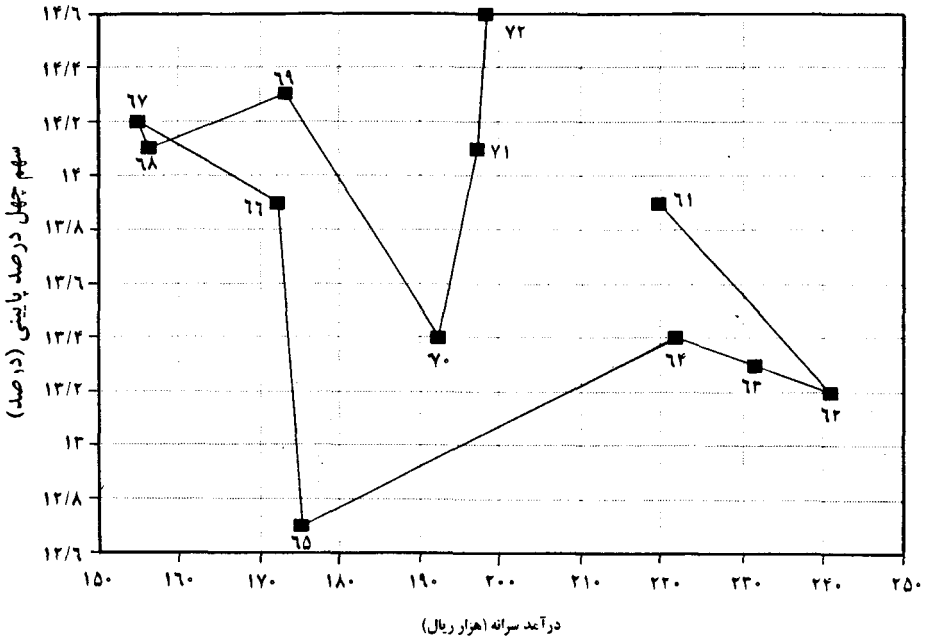

با توجه به شکل ۵ و در یک ارزیابی کلی، اقتصاد کشور در دوره ۱۳۶۱-۱۳۶۵ یک پسرفت وضعیت را تجربه نموده و در دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۲ به طور کلی در حال بهبود وضعیت بوده است. هر چند در مقایسه‌های بین سالی، وضعیت اقتصاد در سالهای ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۷۰ قابل مقایسه نیست.

مقایسه مسیر حرکت اقتصاد کشور (شکل ۵) با راهبردهای متعارف توسعه اقتصادی (شکل ۴) به خوبی نشان می‌دهد که کشور در دوره ۱۳۶۱-۱۳۶۸ فاقد هرگونه راهبرد توسعه اقتصادی بوده و در یک حرکت زیگزاگی طی مسیر نموده است. بدیهی است با توجه به شرایط جنگی حاکم بر کشور در این دوره و نیز اشتغال مدیران کشور به رفع بحرانهای ناشی از جنگ تحمیلی، در این گزارش هیچ قضاوت ارزشی در مورد مدیریت کلان اقتصادی کشور در این دوره صورت نگرفته و صرفاً ترسیم وضعیت مدنظر بوده است.

ارزیابی عملکرد اقتصاد کشور: شاخص رفاه اجتماعی

همان طور که در مقدمه گزارش گفته شد، برای ارزیابی عملکرد یک سیستم چند متغیره، از یک معیار عملکرد استفاده می‌کنند. این معیار، تابعی از متغیرهای حالت است که بهبود یا بدتر شدن نسبی وضعیت سیستم را طی دوره مورد بررسی ارزیابی می‌کند. یک معیار عملکرد که می‌تواند برای سیستم مورد بررسی در این گزارش، مورد استفاده قرار گیرد "شاخص رفاه اجتماعی"[1] طبق تعریف آمارتیاسن است. وی شاخص رفاه اجتماعی (W) را چنین تعریف می‌کند:[۱۲]

$$W = \mu(1-G)$$

که در آن μ درآمد سرانه و G ضریب جینی است. این تابع، امکان مقایسه سطح رفاه اجتماعی را در وضعیتهایی که در فضای حالت قابل مقایسه با یکدیگر نیستند، فراهم می‌کند. مقادیر این شاخص در جدول ۲ آمده است و نمودار آن (به ازای ۱۰۰=۱۳۶۱) را در شکل ۶ ملاحظه می‌کنید.

شکل ٦. شاخص رفاه اجتماعی ۱۰۰ = ۱۳٦۱

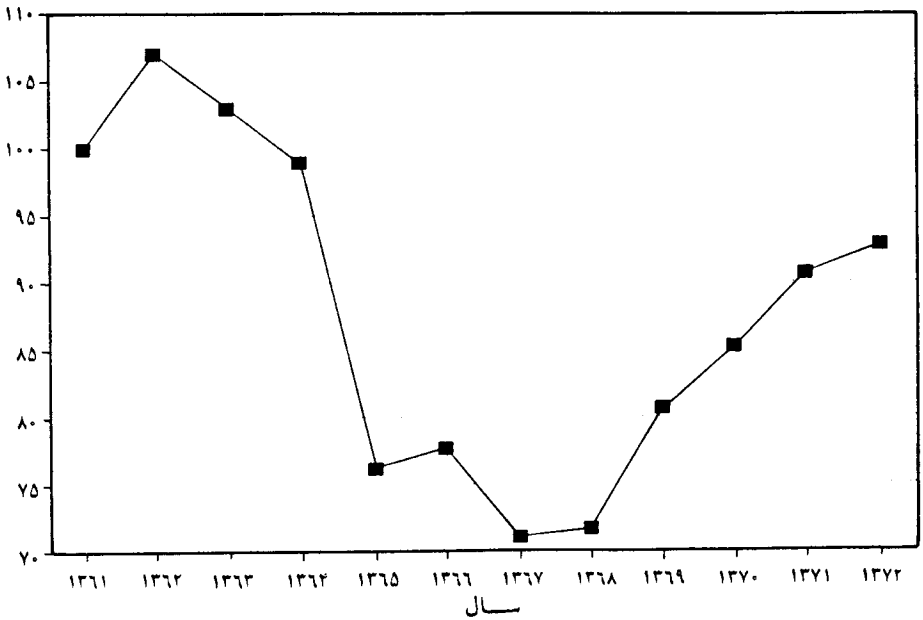

1. Social Welfare Index

شاخص فوق نشان می‌دهد که اقتصاد کشور از نظر رفاه اجتماعی، بهترین وضعیت را در سال ۱۳۶۲ و بدترین وضعیت را در سال ۱۳۶۷ تجربه نموده است. کاهش شدید سطح رفاه اجتماعی (مطابق تعریف سن) در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ - که موجب شده است در ارزیابی، عملکرد اقتصاد کشور در این سالها حتی از سال ۱۳۶۵ نیز بدتر باشد - ناشی از حساسیت زیاد شاخص سن به درآمد سرانه است.(۱۳)

جمعبندی نتایج

در این گزارش، شاخصهای توزیع درآمد برای سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲ ارائه گردید. از بررسی همزمان آمارهای مربوط به درآمد سرانه (به عنوان شاخص رشد اقتصادی) و شاخصهای توزیع درآمد برای دوره مزبور نتایج زیر به دست آمد:

الف) شاخصهای توزیع درآمد در سالهای ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲ و تا حدی ۱۳۶۶ وضعیتی بهتر از متوسط وضعیت توزیع درآمد در دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۲ را نشان می‌دهند.

ب) روند توزیع درآمد در دوره‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۴ ، ۱۳۶۵-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲ رو به بهبود بوده است. به عبارت دیگر، به استثنای سال ۱۳۷۰، توزیع درآمد از سال ۱۳۶۵ به بعد پیوسته بهبود یافته است.

ج) مردم ایران از نظر توزیع درآمد، بدترین وضعیت را در سال ۱۳۶۵ و بهترین وضعیت را در سال ۱۳۷۲ دارا بوده‌اند.

د) بر خلاف سالهای قبل از ۱۳۶۸، در مقاطع ۱۳۶۸-۱۳۶۹ و ۱۳۷۰-۱۳۷۲ مردم ایران افزایش مستمر درآمد سرانه را همراه با بهبود توزیع درآمد دارا بوده‌اند.

ه) اگر شاخص سن را مبنای ارزیابی قرار دهیم، اقتصاد کشور از نظر رفاه اجتماعی بهترین وضعیت را در سال ۱۳۶۲ و بدترین وضعیت را در سال ۱۳۶۷ تجربه نموده است.

و) سطح رفاه اجتماعی از سال ۱۳۶۷ به بعد پیوسته بهبود یافته است.

یادداشتها

۱. اکثر اقتصادشناسان کلاسیک، توزیع درآمد یا ثروت را هدف بررسی علم اقتصاد یا بخشی از حیطه بررسی آن دانسته‌اند. به عنوان مثال، ریکاردو در نامه‌ای به مالتوس می‌نویسد: "من ... اعتقاد دارم که اقتصاد سیاسی را باید بررسی توزیع تولید ثروت بین طبقاتی که در ایجاد آن ذی سهم هستند، نامید. مقدار ثروت تولید شده را با هیچ قانونی نمی‌توان توضیح داد، ولی برای توزیع آن می‌توان قانون رضایتبخش به دست داد. من هر روز بیشتر متقاعد می‌شوم که بررسی اول بیهوده و یأس آور است و مطالعه دوم موضوع خاص علم را تشکیل می‌دهد." همچنین ژان باتیست سه، اقتصاد را توضیح شیوه تشکیل، توزیع و مصرف ثروت تعریف کرده است. برای مطالعه نامه ریکاردو، نگاه کنید به: Keynes, 1976, P.4. برای آگاهی از نظرات آدام اسمیت در مورد توزیع درآمد، نگاه کنید به: کاتوزیان، ۱۳۵۸، فصل سوم. همچنین در مورد سیر تطور نظرات اقتصادشناسان در مورد توزیع درآمد نگاه کنید به: Barber, 1984.

۲. برای آشنایی با نکات اصلی نظرات اندیشمندان اقتصاد توسعه در تبیین راهبرد "رشد توأم با عدالت"، نگاه کنید به: پروین، ۱۳۷۲، صفحات ۱۵-۳۴؛ سینگر، ۱۳۶۹، صفحات ۸۹-۱۰۴.

۳. تودارو (۱۳۷۰، صفحات ۲۱۴-۲۲۳) بحث مفصلی در این مورد دارد. همچنین برای اطلاع از دیدگاههای جدید در مورد میزان اهمیت درآمد سرانه در ارزیابی توسعه‌یافتگی کشورها، نگاه کنید به: گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۴.

۴. برای اطلاع از نظرات اقتصادشناسان مزبور، به عنوان مثال، نگاه کنید به: قره باغیان، ۱۳۷۰.

۵. در قانون برنامه دوم، برای نخستین بار کاهش ضریب جینی به عنوان یکی از خط مشیهای برنامه در نظر گرفته شد، ولی هیچ گونه هدفگذاری کمّی در مورد این شاخص به عمل نیامده است.

۶. منظور از شاخصهای سازگار با منحنی لورنز، شاخصهایی است که برحسب سهم تجمعی درآمد (یا هزینه) به عنوان تابعی از سهم تجمعی جمعیت بیان می‌شود. برای آشنایی با شاخصهای توزیع درآمد، نگاه کنید به: Kakwani, 1980, ch.5.

۷. شاخصهای مزبور برای سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ در منبع زیر منتشر شده است:

"مروری بر شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در کل کشور، مناطق شهری و مناطق روستایی

سالهای ۱۳۶۱-۱۳۶۸"، نشریه گزیده مطالب آماری، شماره ۲۶، سال نهم، اسفند ۱۳۷۲، مرکز آمار ایران.

برای سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲، شاخصها براساس داده‌های گروهبندی نشده هزینه ناخالص خانوار، توسط نگارنده محاسبه شده است.

۸. به عنوان مثال، ضریب جینی هزینه ناخالص خانوار شهری در سال ۱۳۶۸ برابر با ۰/۴۱۸ است، در حالی که همین شاخص برای هزینه ناخالص سرانه شهری در سال مزبور برابر با ۰/۴۳۶ می‌باشد.

۹. این امر نشان می‌دهد که سیاستهای توزیعی اتخاذ شده در برنامه اول، بر خلاف انتظار، آثار توزیعی مثبتی داشته‌اند.

۱۰. برای اطلاع بیشتر در این مورد، نگاه کنید به: Gillis et al., 1987, pp. 94-98.

۱۱. چین و کشورهای اروپای شرقی (همچون مجارستان)، مثالهایی از انتخاب راهبرد تقدم توزیع درآمد بر رشد اقتصادی می‌باشند. کره جنوبی، تایلند و سریلانکا نمونه‌هایی از راهبرد رشد اقتصادی همراه با بهبود در توزیع درآمد را اجرا کرده‌اند. بالأخره کشورهایی که از مدلهای توسعه از نوع لویس پیروی کرده‌اند، در واقع، راهبرد تقدم رشد بر توزیع درآمد را انتخاب نموده‌اند.

۱۲. سن چهار اصل موضوعه برای یک تابع رفاه اجتماعی ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که $W=\mu(1-G)$ در چهار اصل مزبور صدق می‌کند. برای اطلاع از اصول مزبور و نحوه به دست آوردن شاخص رفاه اجتماعی سن، همچنین شاخصهای مشابهی که در این مورد مطرح است، نگاه کنید به: Kakwani, 1980, PP.75-79.

۱۳. در ارزیابی تابع رفاه اجتماعی سن، لازم است به دو نکته توجه کنیم: اولاً اگر قدر مطلق کشش W نسبت به مؤلفه‌های آن را محاسبه کنیم درمی‌یابیم که اگر ضریب جینی کوچکتر (بزرگتر) از ۰/۵ باشد شاخص سن نسبت به تغییرات درآمد سرانه بیشتر (کمتر) از تغییرات نابرابری درآمدها حساس است. نکته دوم اینکه لختی (اینرسی) ضریب جینی (به ویژه در داده‌های سری زمانی) بسیار بیشتر از درآمد سرانه است. این امر باعث می‌شود که الگوی تغییرات شاخص سن بیشتر متأثر از الگوی تغییرات درآمد سرانه باشد. مقایسه تغییرات روند درآمد سرانه و شاخص رفاه اجتماعی در دوره مورد بررسی، این موضوع را تأیید می‌کند.

منابع

۱. پروین، سهیلا. *زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس. اسفند ۱۳۷۲.

۲. تودارو، مایکل. *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، جلد اول. ترجمه غلامعلی فرجادی. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۰.

۳. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات . *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)*، ۱۳۷۴.

۴. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، *گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴*، برنامه توسعه سازمان ملل متحد. ترجمه قدرت الله معمارزاده. ۱۳۷۴.

۵. سینگر، هانس و دیگران. *اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه (مجموعه مقالات)*. ترجمه عزیزکیاوند. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۹.

۶. قره باغیان، مرتضی. *اقتصاد رشد و توسعه*، جلد اول. نشر نی. ۱۳۷۰.

۷. کاتوزیان، محمدعلی. *آدام اسمیت و ثروت ملل*. شرکت سهامی کتابهای جیبی. ۱۳۵۸.

۸. مرکز آمار ایران، "مروری بر شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در کل کشور، مناطق شهری و مناطق روستایی سالهای ۶۸-۱۳۶۱"، نشریه گزیده *مطالب آماری*، شماره ۳۶. سال نهم، اسفند ۱۳۷۲.

9. Barber, W.J.. *A History of Economic Thought*. Penguin Books LTD., 1984.

10. Gillis, M.; Perkins, D.H.; Roemer, M.; Snodgrass,D.R.. *Economics of Development*. Norton Company, 1987.

11. Kakwani, N.C.. *Income Inequality and Poverty*. Oxford University Press, 1980.

12. Keynes, J.M.. *The General Theory of Employment, Interest and Money*. the Macmillan Press LTD., 1976.